

نادرشاه و تلاش برای رسمیت مذهب جعفری

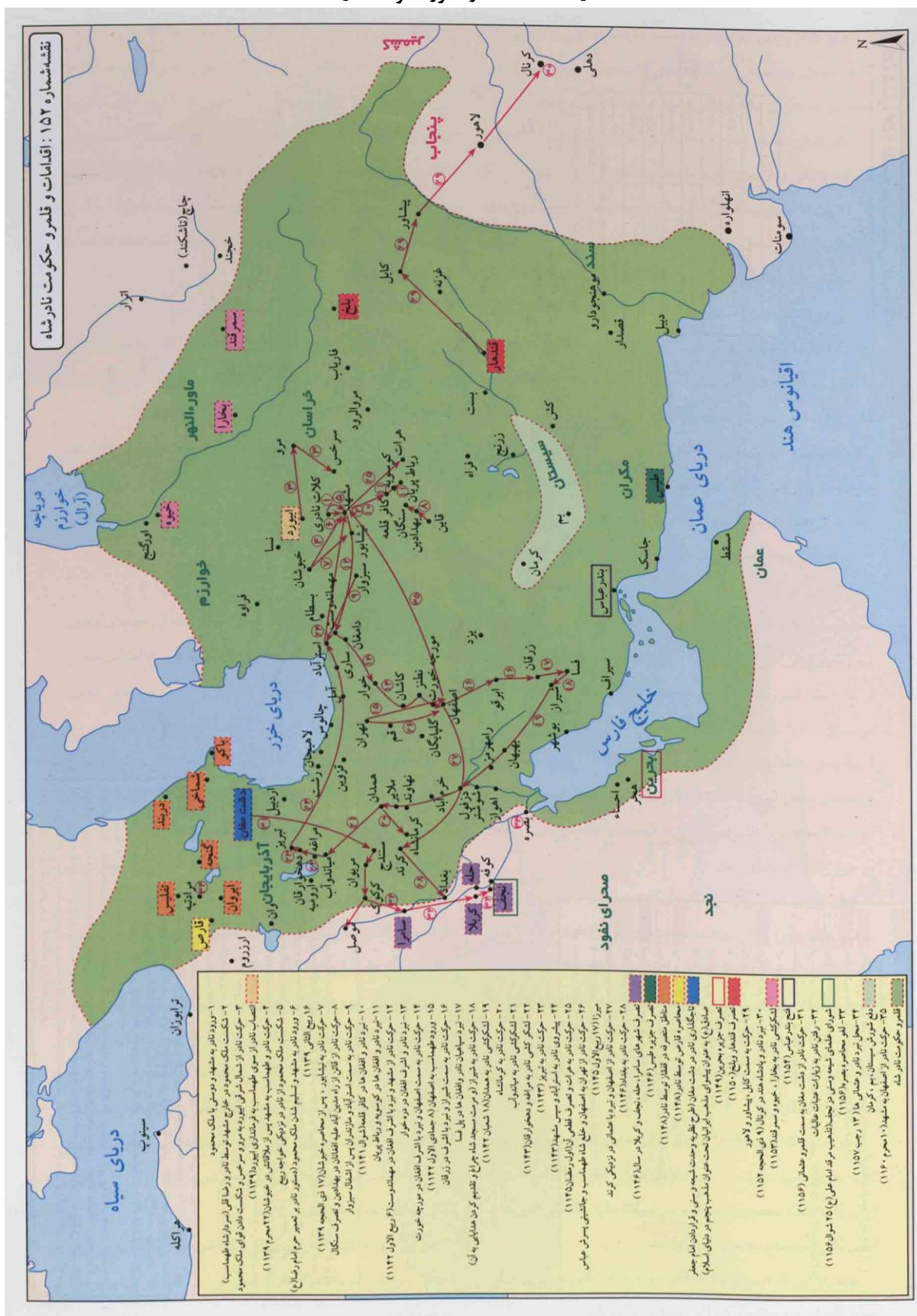
نادرشاه شخصیت تاریخی برجسته ای است که نه تنها در ایران بلکه در سطح جهانی شناخته شده است. ویژگی عمده او به خصلت جهانگشایی و رغبت وی در تأسیس دولتی بزرگ از ماوراءالنهر تا عراق از یک سو و از دهلی تا کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس از سوی دیگر باز می گردد. وی در بیشتر نبردهایش کامیابی های فراوانی داشت و ایرانیان به طور عمده او را در مرحله نخست منجی ایران از تجاوز جماعتی از گروه های افغانی می دانند که در مقام شهروندی ایران در دوره صفوی، بر دولت مرکزی یورش برده آن را سرنگون کردند.

نادرشاه پس از پیروزی های فراوان، با در پیش گرفتن یک سیاست غلط، در سال ۱۱۴۸، با اعلام انحلال دولت صفوی خود را سلطان ایران نامید و باز هم به کشور گشایی ادامه داد. وی چندین بار به عراق یورش برد و شهرهای مهم آن را تصرف کرد. وی همچنین در ماوراءالنهر و نیز قفقاز تلاش های زیادی برای بازپس گیری سرزمین های از دست رفته ایران داشت.

به لحاظ بینش مذهبی - تاریخی، نادرشاه منتقد شاه اسماعیل بود. به عقیده وی، شاه اسماعیل در ایران و در ارتباط با رسمیت بخشیدن به مذهب شیعه، رسم و رسومی را بر پای داشت که موجب اختلاف و دوگانگی میان طوائف و اقوام شد. هدف دیگر او از طرح این اندیشه می توانست به نوعی مقابله با حرکت هایی باشد که بسا برای بازگشت صفویه انجام می شد.

نکته دیگر آن که نادرشاه باورش بر این بود که اگر بخواهد یک امپراتوری در سرزمین های ایران بزرگ تأسیس کند باید راهی میانه تشیع و تسنن انتخاب کند. به همین دلیل تشیع را در حدّ مذهب جعفری به عنوان یک مذهب فقهی پایین آورد و از سوی دیگر از دولت عثمانی و بزرگان وقت سنی درخواست کرد تا آنان نیز تشیع را به همین عنوان به رسمیت بشناسند.

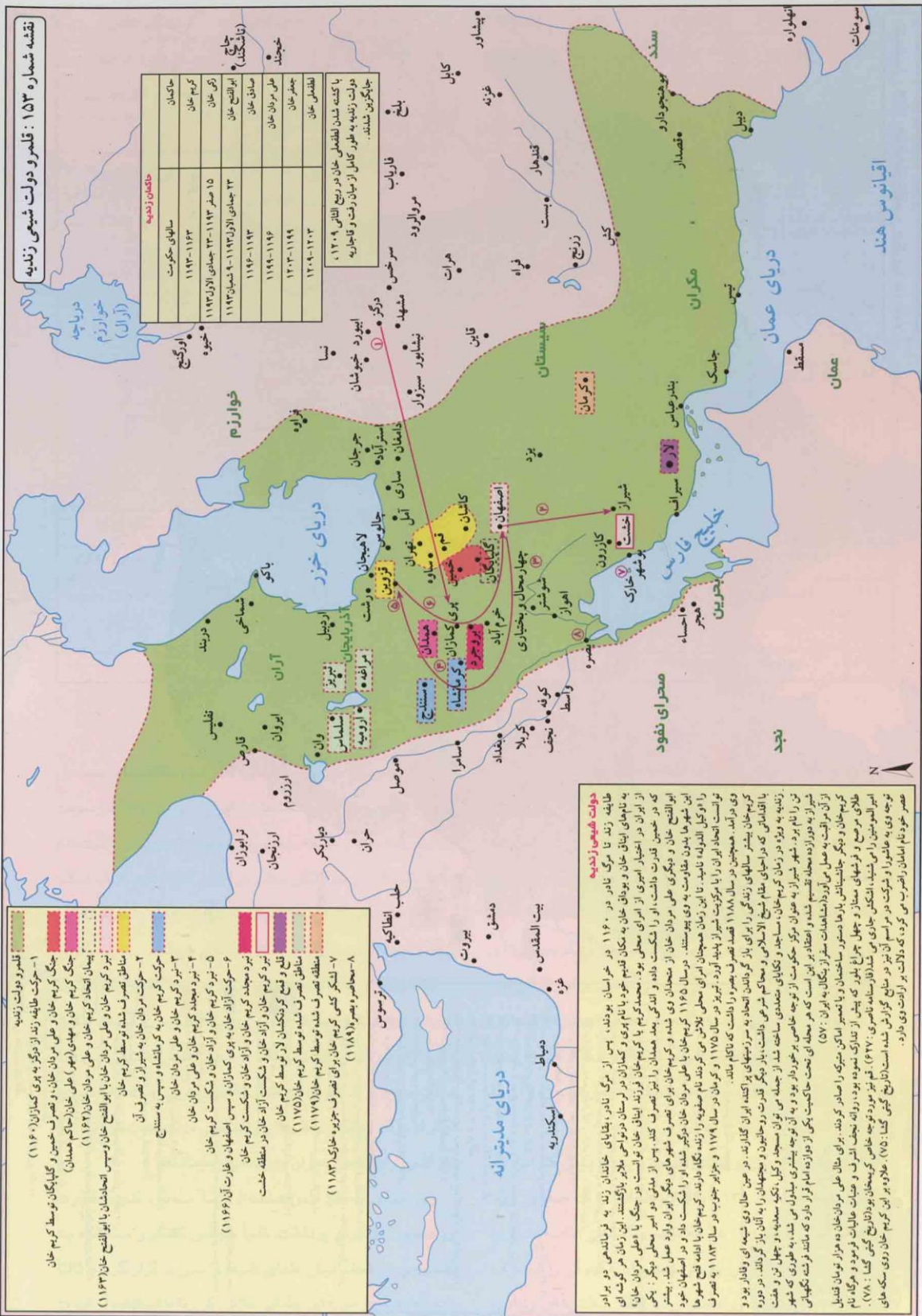
وی برای تحقق این هدف اولاً به محدود کردن قدرت روحانیون در ایران پرداخت. ثانیاً مجالس گفتگو و مذاکره به خصوص در نجف میان علمای شیعه و سنی برگزار کرد. و ثالثاً با حمله به سرزمین های عثمانی تلاش کرد تا با استفاده از قدرت نظامی خود، آنان را نسبت خواسته های خود تسلیم کند.



نقشه شماره ۱۵۳: قلمرو دولت شیعی زندیه

حاکمان زندیه	
سالمی حکومت	۱۱۶۳-۱۱۶۳
کریم خان	۱۱۶۳-۱۱۶۳
اکبر خان	۱۱۶۳-۱۱۶۳
ابوالفتح خان	۱۱۶۳-۱۱۶۳
صادق خان	۱۱۶۳-۱۱۶۳
علی مراد خان	۱۱۶۳-۱۱۶۳
جعفر خان	۱۱۶۳-۱۱۶۳
لطیف خان	۱۱۶۳-۱۱۶۳

با کشته شدن لطیف خان در ربيع الثاني ۱۲۰۹، دولت زندیه به طور کامل از میان رفت و قاجاریه جایگزین شدند.



طایفه زند تا مرگ نادر در ۱۱۶۰ در خراسان بودند. پس از مرگ نادر، بقایای خاندان زند به فرماندهی دو برادر به نامهای ایاق خان و یوسف خان به مکان قدیم خود با نام پری و کسازان در فرسنان دروازه ملایر بازگشتند. این زمان مرگ نادر از ایران در اختیار امیری از ابرای معنی بود. محمدکریم یا کریم خان فرزند ایاق خان توانست پس از جنگ با اعلی مراد خان، که در خنیز قدرت داشت، او را شکست داده و اندکی بعد همدان را نیز تصرف کند. پس از مدتی در اسیر معنی دیگر، یکی ابوالفتح خان و دیگری علی مراد خان از همدان وی شده و کریم خان برای تصرف شهرهای دیگر ایران وارد عمل شد. بیشتر این شهرها بدون مقاومت به وی پیوستند. در سال ۱۱۶۵ کریم خان با علی مراد خان درگیر شده و او را شکست داد و در اصفهان خود را وکیل الدوله نامید. تا این زمان همدان معنی امیر لاس می کردند نام صلیبه را زنده نگه دارند. کریم خان با آناه فتح شهرها توانست اتحاد ایران را با مرکزیت شیراز بنهاند. تیرد در سال ۱۱۷۵ و کرمان در سال ۱۱۷۸ و جزایر جنوب در سال ۱۱۸۳ به تصرف وی درآمد. همچنین در سال ۱۱۸۸ قصد تصرف بصره را داشت که ناگهان ملان کریم خان پیشتر سالهای زندگی را برای بازگرداندن اتحاد به سرزمینهای پراکنده ایران گذارند. در عین حال وی شیعه ای وفادار بود و با اقلیتانی که در احیای مقام شیخ الاسلامی و محاکم شرعی داشت، بار دیگر قدرت روحانیون و مجتهدان را به آنان بازگرداند. در دوره زندیه به تیرد در زمان کریم خان، مساجد و کتابخانههای متعددی ساخته شد. از جمله می توان مسجد وکیل، نگین مسعیه، و چهل تن و هفت تن را نام برد. شهر شیراز به عنوان مرکز حکومت از توجه خاص برخوردار بود و به آن توجه بیشتری مبذول می شد، به طوری که شهر شیراز به دور از دهانه تقسیم شده و استقرار این است که هر محله ای تحت حاکمیت یکی از دوازده امام قرار دارد که مانند فرشته نگهبانی از آن مراقبت به عمل می آوردند. مشاهدات سفر از نگاه به ایران (۱۷۰۷) برای مثال علی مراد خان ده هزار تومان تسخیر کریم خان و دیگر جانشینانش را به دستور ساکنان و با تعبیر ماکن سیرک را صادر کردند. برای مثال علی مراد خان ده هزار تومان تسخیر طایر و مریم و مشکین جانی می شد (لارسند ناسری: ۶۲۷). تم نیز مورد توجه خاص کریم خان بود (لاریج گیتی کشا: ۷۸). توجه وی به علما و روشنفکران در شیراز نیز در منابع گزارش شده است (لاریج گیتی کشا: ۷۵). علما بر این کریم خان روی سکه های عصر خود نام زعفران می کرد، که دولت بر ارادت وی دارد.

هیچ کدام از این اقدامات نتوانست دولت عثمانی را راضی کند تا به حداقل خواسته نادرشاه، یعنی به رسمیت شناختن مذهب جعفری به عنوان مذهب فقهی پنجم مسلمانان تن در دهد. نادرشاه متعهد شده بود تا در مقابل، بسیاری از آداب و رسوم شیعی را از میان ببرد یا محدود کند.

نادرشاه متکی به افکار چند عالم شیعه بود که همراهی با وی را اعلام کرده بودند. مهم ترین آن ها ملا علی اکبر طالقانی بود که در مذاکرات مذهبی در نجف نقش محوری داشت. وی در سال ۱۱۶۰ اندکی پیش از کشته شدن نادر، به فرمان وی به قتل رسید. به رغم آن که دولت عثمانی موافقتی با خواسته های اصلی نادر نکرد، اما نادر در محدوده سرزمین هایی که تحت سلطه خود داشت، و نیز شماری از علمای سنی بغداد، توانست آنان را متعهد به پذیرفتن معاهده ای کند که ضمن آن به درخواست های نادر در زمینه مذهبی اعتراف و اذعان شده بود.

در متن این معاهده با اشاره به «آشوب بین المسلمین» که در روزگار قبل از نادر بوده است، اقدامات مذهبی انجام شده را عامل حملات ترکمانیه دشت، افغانستانیه قندهار، و رومیه به سرزمین ایران عنوان کرده است. پس از آن با ستایش از نادر که از سرزمین ابیورد برخاسته، به اقدام او در برپایی شورای کبرا در سال ۱۱۴۸ در دشت مغان اشاره شده و آمده است که در آنجا، با او به عنوان سلطان ایران بیعت کردند. آنگاه سخن از فرستادن سفیر ایران به استانبول نزد سلطان عثمانی به میان آمده و این که پنج مطلب در این باره با سلطان عثمانی برای توافق در میان گذاشته شده است:

اول: این که اهل ایران از عقاید سالفه و سبّ و رفض نکول، و مذهب جعفری را که از مذاهب حقّه است قبول نموده، قضّات و افندیان کرام روم اذعان کرده آن را خامس مذاهب شمارند. دوم: اینکه چون در کعبه معظمه ارکان اربعه مسجد الحرام به ائمه مذاهب اربعه تعلّق دارد، ائمه مذهب جعفری در رکن شافعی با ایشان شریک بوده بعد از ایشان علی حده با امام خود به آیین جعفری نماز گزارند.

سوم: این که هر ساله از طرف ایران «امیر حاج» تعیین شود که به طریق امیر حاج مصر و شام در کمال اعزاز و اکرام حجاج ایران را به کعبه مقصود رساند و در دولت علیّه عثمانی امیرحاج ایران تالی امیرحاج مصر و شام باشد.

چهارم: این که اسرای دو مملکت در نزد هر کس بوده باشند مطلق العنان بوده، بیع و شرا بر ایشان روا نباشد .

پنجم: این که وکیلی از دولتین در پایتخت یکدیگر بوده امور مملکتین را... به مقتضای «اَنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» رسم الفت و برادری فی مابین اهالی روم و ایران مسلوک باشد. نادرشاه به رغم آن که تلاش کرد تا با به رسمیت شناختن مذهب تسنن و در کنار آن مذهب جعفری، گامی به جلو بردارد، اما به دلیل مخالفت علمای عثمانی راه به جایی نبرد و داستان این وحدت خواهی میان تشیع و تسنن که بر اساس نظریه خاص نادرشاه بود، به عهده تعویق افتاد.

نادرشاه که در طول سالهای حکومتش اندیشه ای برای آینده نداشت، نتوانست سلسله استواری را تأسیس کند. به همین دلیل، اندکی پس از کشته شدن او در سال ۱۱۶۰ شیرازه دولت او از هم گسست؛ طبعاً فعالیت های مذهبی او نیز دنبال نشد.

اقدامات مذهبی نادرشاه را می توان یکی از جدی ترین اقدامات در جهت نشان دادن حسن نیت شیعیان برای وحدت مسلمانان دانست که به دلیل عدم همکاری مخالفان، ناکام ماند.